■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۸۰۶۸ ■ شنبه ■ ۱۲ آذر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیر مسئول: محمدحسن روزی‌طلب
جانشین مدیر مسئول و سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۱/۵۴ | اذان مغرب ۱۷/۱۱ | نیمه شب شرعی ۲۳/۱۰ | اذان صبح فردا ۵/۲۹ | طلوع آفتاب فردا ۶/۵۸

سخن روز

حضرت محمد(ص):
افضل اعمال امت من انتظار فَرَج و ظهور امام زمان علیه‌السلام است.
(الشهاب فی‌الحِکم والآداب، ص۱۶)

نسل طلایی دوبله ایران معدنی از طلا بود که تمام شد

خسرو خسروشاهی: فکر نمی‌کنم دیگر یک تماشاگر فیلم سراغ یک دوبله خوب را بگیرد؛ کمی ذائقه‌ها فرق کرده است، دیگر کسی دنبال کار خوب نیست. بهترین فیلم‌ها را معلوم نیست چه افرادی دوبله می‌کنند؟ زمانی ما ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر در عرصه دوبله فعال بودیم اما حالا تهران ۸ هزار دوبلور دارد! هر فرد یک دستگاه خریداری کرده و با آن روی فیلم‌ها صدا ضبط می‌کند و به «وی او دی‌ها» می‌دهد و آنها هم نمایش می‌دهند. یک عده جوان بیکار اما باسواد و علاقه‌مند، هم هستند که کار را زیرنویس می‌کنند و به‌عنوان مترجم استفاده می‌شوند. خود مترجم‌ها هم حالا بیکارند. پیش از این در تهران حدود ۱۶ الی ۲۰ استودیو فعال بود که حالا یکی دوتا از آنها باقی مانده و مابقی گویا تبدیل به انباری و باربری شده و دیگر استودیویی نمانده است. نسل طلایی دوبله ایران معدنی از طلا بود که تمام شد. یک مقدار دیگر از این خاک طلا باقی مانده که تمام می‌شود و دوبله دربست برای آنهایی می‌شود که دوست دارند و کسی نظارت و توجه نمی‌کند.

بخشی از صحبت‌های این دوبلور و مدیر دوبلاژ برجسته ایرانی در گفت‌وگو با ایسنا

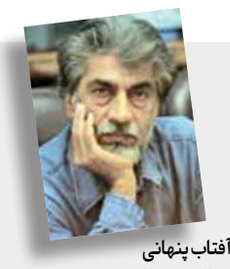

طلوع می‌کند آن آفتاب پنهانی
ز سمت مشرق جغرافیای عرفانی
دوباره پلک دلم می‌پرد، نشانه چیست؟
شنیده‌ام که می‌آید کسی به مهمانی
کسی که سبزتر است از هزار بار بهار
کسی، شگفت کسی، آن چنان که می‌دانی

قیصر امین پور

نـــگاره
کیان راد پویان

حیات انسان در گرو حیات طبیعت

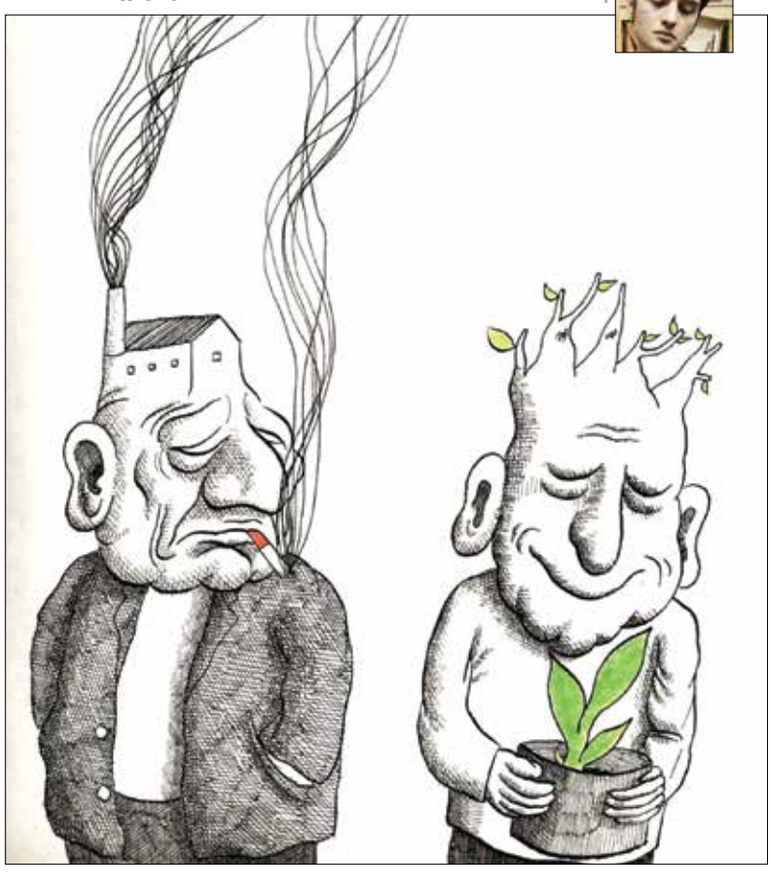

یاد

درگذشت یدالله مفتون، یادی از فرهاد ناظرزاده کرمانی به مناسبت سالروز تولدش، حضور انیمیشن «لوپتو» در جشنواره‌های بین‌المللی، اظهار نظر عجیب برایان انو (نوازنده و آهنگساز انگلیسی‌تبار) درباره زاکربرگ، گوگل و روپرت مرداک بخشی از اخبار خواندنی در فضای مجازی و رسانه‌های رسمی است که در ادامه می‌خوانید.

■ چهره روز

یدالله مفتون امینی بعدازظهر پنجشنبه، دهم آذر ماه، در ۹۶ سالگی بر اثر ایست قلبی درگذشت. مفتون با شاعرانی چون شهریار، رهی معیری و فریدون مشیری دوستی داشته، شعر «دریاچه»اش را در خرداد ۱۳۳۱ سروده است. مجموعه‌های شعر «دریاچه»، «کولاک»، «انارستان»، «عاشیقلی کروان»، «فصل پنهان»، «یک تاکستان احتمال»، «سپیدخوانی روز»، «عصرانه در باغ رصدخانه»، «شب ۱۰۰۲»، «من و خزان و تو»، «اکنون‌های دور» و... از جمله آثار منتشرشده این شاعرند. ایسنا در گزارشی درباره او آورده است: «مفتون امینی، ۷۰ سال شاعری کرد، با نسل‌های مختلف شاعران نشست و برخاست داشت، برخلاف هم‌نسلانش شاعر سیاسی‌ای نبود و معتقد بود: «شاعر نباید با قدرت کشتی بگیرد؛ این کار شاعر نیست. شاعر معرفت انسان را بالا می‌برد و به افراد آگاهی می‌بخشد.»

امروز سالروز تولد استادی است که فرهاد تئاتر ایران نامیده می‌شود؛ استادی که سال‌ها قبل آرزو کرده بود درون‌مایه تئاتر آینده ایران، عشق و مبارزه با درنده‌خویی باشد. استادی که قهرمان دانشجویانش نبود ولی عاشقانه دوستش می‌داشتند. این عبارات بخشی از متن ایسنا به مناسبت سالروز تولد فرهاد ناظرزاده کرمانی است که برای قدیمی‌ترهای تئاتر نامی ستایش برانگیز است و برای جوان‌ترها نامی است قابل احترام. او چندین نسل از دانشجویان تئاتر را پرورده که اصغر فرهادی، علیرضا نادری، پانته آ بهرام، حمید فرخ‌نژاد و... تنها بخشی از آنان هستند.

■ اتفاق روز

انیمیشن سینمایی «لوپتو» به کارگردانی عباس عسکری و تهیه‌کنندگی محمدحسین صادقی و احسان کاوه محصول مرکز انیمیشن سوره به بخش رقابتی هشتمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سیه‌را راه یافت. این جشنواره از دوم تا چهارم دسامبر ۲۰۲۲ برابر با یازده تا سیزده آذرماه ۱۴۰۱ در شهر سانتاکروز کشور بولیوی برگزار خواهد شد. این انیمیشن در طول یک ماه اکران خود با استقبال کودکان و خانواده‌ها، توانسته صدرنشین گیشه ماهانه سینماهای ایران شود و هم‌اکنون با جذب ۲۴۰ هزار مخاطب، در مرز فروش ۶ میلیارد تومانی قرار دارد.

■ عدد روز

یک خودنگاره کمیاب و قابل‌توجه از «ماکس بکمان»، نقاش اکسپرسیونیست قرن بیستم در برلین به قیمت ۲۰ میلیون یورو معادل ۱۷ میلیون پوند فروخته شد و رکورد گران‌ترین اثر هنری فروخته‌شده در حراجی‌های آلمان را شکست. «بکمان» این نقاشی را که با عنوان «خودنگاره زرد و صورتی» شناخته می‌شود زمانی خلق کرد که با به قدرت رسیدن نازی‌ها از آلمان به هلند جلای وطن کرده بود. علاقه‌مندان به هنر برای تماشای آن ابتدا به نیویورک و سپس به برلین هجوم بردند، چرا که این شاهکار همیشه در مجموعه‌های خصوصی نگهداری شده و بازدید از آن به ندرت امکانپذیر است. حراج این خودنگاره با حضور خریدارانی از سراسر جهان برگزار شد اما هویت مالک جدید این نقاشی هنوز مشخص نیست.

■ چالش روز

محمدمهدی خاتمی کارگردان نمایش «شراره» که تا ۲۳ آبان در سالن سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه بود، با تأکید بر این نکته که شرایط برای اجرای تئاتر فراهم نیست، به مهر گفته است: «از ۲۹ شهریور سالن سایه در اختیار ما بود و دکور نمایش را در سالن نصب کردیم زیرا قرار بود از ۵ مهر اجرای عمومی خود را شروع کنیم. در همان ایام بود که شرایط جامعه تغییر کرد و اجرا به ۱۱ مهر، سپس اول آبان و در نهایت ۵ آبان موکول شد. به دلیل اینکه دکور نمایش را نصب و تمرین و هزینه برای اجرا کرده بودیم چاره‌ای جز اجرای نمایش نداشتیم.» او با اعلام این مطلب خبر داده که قرار است از ۱۸ آذر دور دوم اجراهای «شراره» آغاز شود.

■ سخن روز

برایان انو (نوازنده و آهنگساز انگلیسی‌تبار) که او را یکی از بنیانگذاران موسیقی «امبینت» می‌دانند، در گفت‌وگو با «گاردین» به موضوعات متعددی مانند دغدغه‌های محیط زیستی‌اش و انرژی هسته‌ای پرداخته است. آن طور که ایلنا گزارش داده او همچنین زاکربرگ‌ها، گوگل‌ها و روپرت مرداک را برای دنیا دردسرساز تلقی می‌کند. او می‌گوید: «به نظرم زاکربرگ‌ها، گوگل‌ها و روپرت مرداک دردسرساز هستند. چند نفر هستند که برای بدست آوردن همه‌چیز دست به هر کاری می‌زنند. وجود این افراد و کارهایی که انجام می‌دهند مرا نگران می‌کند.»

ماجراهای خانم آقای او

سوپروایزر یک مریض خانه لوکس

طنز

ریحانه ابراهیم‌زاده
شاعر و طنزپرداز

عارضم به خدمت‌تان، آقای پسر طفلی بیش نبود وعده گرفتیم از اقوام، به جهت میزبانی؛ تشریف‌فرما شدند. ضیافت ممتاز و مجللی شد. میز چیدیم از همه قسم اطعمه و اشربه؛ آجیل و میوه و شیرینی. سفره انداختیم از این سر خانه تا آن سر؛ به از شما نباشد همه از زنیت و سلیقه و هنرمان انگشت به دهان مانده بودند. البته حیرت‌شان محل اعجاب داشت‌ها! لاکن به جهت دور بودن و قوم و خویشی از ذوق و زنیت‌مان به قاعده مطلع نبودند. القصه میان گفت و شنو و بگو بخند و برو بیا و همهمه، از آقای پسر غافل شدیم؛ چشم‌مان را دور دید ملتفت شد حواس‌مان پی بزم و پذیرایی است به هیبت قحطی‌زده‌ها چنبره زده روی آجیل و شکلات و شیرینی به حد انفجار لمبانده بود. موعد بدرقه چند نوبه چشم‌مان به رخسار زرد و زار و چشم ناخوشش افتاد خیال برمان داشت لابد از تصدیع و صداع، عاجز و بی‌طاقت شده و به استراحت و آسایش، تشفی یافته سرحال می‌آید. آخر شب ظرف و ظروف و خرت و پرت ضیافت، نظم و نسق داده گوشه‌ای ولو شدیم جهت التذاذ استراحت بعدش؛ بغتتا آقای پسر چهارنعل دوید به سمت خلا و فوقع ما وقع! چشم‌تان روز بد نبیند، گلاب به روی‌تان خورده و نخورده‌اش را برگرداند.

ای خوش خیال خانم آقای او! تا خود سپیده چند نوبه به همین سیاق گذشت و دیدیم نه ما پای دویدن پا به پای آقای پسر را داریم نه خودمان. لحاف تشک برداشتیم انداختیم پس در خلا. تا رنگ طفل معصوم زرد می‌شد به اتفاق شیرجه می‌زدیم توی خلا. گلاب به روی‌تان همه‌اش نقل اسهال و استفراغ کردیم احوال‌تان متهوع شد.

داشتیم فکر می‌کردیم جگرگوشه خودمان است و به خار توی چشم‌مان رضا می‌دهیم به خار توی پایش نه؛ مع‌الاسف دم غروبی دیگر نه تاب و طاقت داشتیم نه حوصله و اعصاب. پاشدیم رفتیم مریض‌خانه، رنجه‌تزاحم تیمار داشت به طبیب و پرستار سپردیم. الحق والانصاف این پرستارها حور و ملکند. به از ما نباشد آدم در عجب می‌ماند از طاقت و صبرشان؛ هفت پشت غریبه به مرحمت و ملاطفت چنان تیمار می‌کنند شک می‌کنیم نکند کس و کارشان است. سنه‌ای که کرونا به جان ربع مسکون افتاد جان‌شان کف دست‌شان گرفته به سیاقی امور مریض و مبتلا رتق و فتق می‌کردند آدم می‌ماند چطور از خجالت ملاطفت و شفقت‌شان در بیاید. خودشان شوهر و بچه و اهل و عیال و خانه و کس و کار، به امید خدا رها کرده دل‌شان می‌تپید به جهت تیمار مریض و ناخوش؛ همراه و ملازمی هم در کار نبوده ناچار ملازم و همدم‌شان هم می‌شدند.

به از شما نباشد خودمان از حذاقت و ملاطفت کم از پرستار نداریم؛ لاکن خدا نکند والده جماعت را کسالتی عارض شود. سوپ و اطعمه مقوی و تیمار و دلداری در کار نیست یا باید ناخوشی را ندیده گرفته به زندگی عادی برگردیم انگار نه خانی آمده نه خانی رفته یا اگر زمینگیر شدیم بلاتوقع دوام آورده مهیای نظم و نسق اوضاع نابسامان خانه و کوه البسه چرک و ظروف مستعمل ایام فقدان صحت شویم.

خودمان چند نوبه تن‌مان به ناز طبیبان نیازمند شد، رفتیم مریض‌خانه از چند و چون کارشان سر درآوردیم. پرستارها یک رئیسی دارند به غایت شیک و با دیسیپلین؛ همین‌جور خارجکی تسمیه کرده‌اند سوپروایزر صدایش می‌کنند. سوپروایزرها بالکل توفیر دارند. لباس و سرو وضع‌شان تیشان فیشان است. ما اگر خانه نمی‌ماندیم اگرچه اهل خانه از برکت و نعمت ثمین کدبانوگری‌مان بی‌نصیب می‌ماندند مؤکداً محققاً مسلماً سوپروایزر یک مریض‌خانه لوکس بودیم.

مع‌الوصف هرچه پرستار جماعت دم دست اطبا، تعب سر و کله زدن با خلق‌الله ناخوش احوال به جان خریده، خیرشان به چشم می‌آید منشی‌ها ماوقع‌شان علیحده است. می‌نشینند پشت دخل طبیب، وجوه و مسکوکات اتخاذ کرده ناخن پولیش می‌کنند و صدای آدامس جویدن‌شان مستقیم به اعصاب مغزمان نفوذ می‌کند. دوتا سؤال مازاد از دهان‌مان هم بپرد یک جوری پشت چشم نازک کرده به غیظ و غضب وراندازمان می‌کنند آدم از کرده و نکرده‌اش متهلف و پشیمان می‌شود. به حول و قوه الهی وقت‌شان هم علی الاتصال پر است. هر نوبه وقت خواستیم یا وقت نداشتند یا طبیب سفر خارجه بوده؛ گفتند برو شش ماه دیگر بیا! ما با این همه کمالات و تشخص و اعتبار و احتشام مگر مضحکه ابوی توایم؟

از شما چه پنهان خودمان حساب کتاب کردیم دیدیم اطبا در عوض منشی دوتا پرستار پشت دخل گمارده بودند فقدان‌شان در سفر خارجه محسوس نبود. دستور می‌گرفتند به فضل و حذاقت امتثال کرده کار مریض و ناخوش روی زمین نمی‌ماند.

چرا تیر تحسین برخی والدین به سنگ می‌خورد؟

یک فنجان حرف

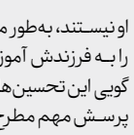

شهرزاد عبدیه
روانشناس

این روزها کم نیستند والدینی که با اصول اولیه فرزندپروری آشنا هستند و خوب می‌دانند چقدر تعامل مثبت و تحسین و تشویق می‌تواند در تربیت جگرگوشه‌هایشان معجزه کند. با این حال کاملاً طبیعی است که هر والدی گاه در پیچ و خم فرزندپروری با پرسش‌ها و چالش‌هایی روبه‌رو شود. یکی از چالش‌هایی که برخی والدین مطرح می‌کنند این است که با وجود تحسین فرزندشان شاهد افزایش رفتار مطلوب او نیستند، به‌طور مثال مادری که می‌خواهد نظم کمد لباس را به فرزندش آموزش دهد اما تحسین‌هایش بی‌ثمر است و گویی این تحسین‌ها اصلاً برای کودک مهم نیستند. در اینجا یک پرسش مهم مطرح می‌شود؛ آیا تحسین بی‌ثمر است یا روش این والد در تحسین دارای اشتباهاتی است؟ به‌طور حتم تحسین درافزایش یا حتی ایجاد یک رفتار مطلوب بی‌تأثیر نیست اما تحسین نیز مانند هر روش تربیتی دیگری دارای اصولی است که برای رسیدن به نتیجه مطلوب باید آنها را رعایت کرد. در اینجا به برخی از اصول بسیار مهم تحسین اشاره می‌کنیم:

- تحسین را باید بلافاصله بعد از رفتار مورد نظر انجام دهید، بنابراین هرگز با این فکر که سر فرصت او را تشویق خواهید کرد، زمان طلایی را از دست ندهید همان موقع و بلافاصله بعد از انجام رفتار مورد نظر به صورت کلامی یا فیزیکی او را تحسین کنید.
- رفتار کودک را تحسین کنید ،مثلاً اگر فرزندتان کمد لباس‌هایش را مرتب کرده است به او بگویید: «چقدر کمد لباس‌هات مرتب شده، آفرین که اون‌ها رو اینقدر خوب و منظم چیدی.» یادتان باشد از جملاتی مانند «تو چقدر دختر خوبی هستی» یا «تو چقدر باهوش» استفاده نکنید.
- پدر و مادر باید درباره تحسین رفتار خاص با هم توافق داشته و همسو باشند، به‌طور مثال شما می‌خواهید فرزندتان خودش غذایش را بخورد. برای رسیدن به این هدف شما حتی اگر فرزندتان این کار را خیلی آرام و حتی با کثیف‌کاری هم انجام دهد، او را تشویق می‌کنید اما همسرتان برعکس عمل می‌کند. او حوصله ندارد و بچه را به خاطر کندی یا ریخت و پاش سرزنش می‌کند. در این شرایط کودک دچار تعارض می‌شود و نمی‌فهمد به راستی باید چه کاری انجام دهد. وقتی والدین توافق ندارند و همسو نیستند، نمی‌توان توقع نتیجه مطلوبی از تحسین داشت.
- آیا شما الگوی مناسبی برای فرزندتان هستید؟ به‌طور حتم اگر بچه ببیند که کمد لباس پدر و مادرش همیشه درهم و به هم ریخته است، نمی‌توان تنها با تکیه بر تحسین انتظار معجزه داشت. پس گام اول این است که خودتان رفتاری را انجام بدهید که انتظار دارید فرزندتان هم آن را انجام دهد، سپس به جادوی تحسین متوسل شده و نتیجه مطلوب بگیرید، مثلاً اگر می‌خواهید فرزندتان هرشب دندان‌هایش را مسواک بزند باید در عمل ببیند که شما هم هر شب این کار را انجام می‌دهید.
- تحسین و تشویق باید متناسب با عملکرد فرزند باشد. تحسین می‌تواند یک هدیه بزرگ و کوچک یا آغوش پرمهر یا حتی یک لبخند رضایت باشد.
- در تحسین تنوع داشته باشد و همیشه از جمله‌ها یا رفتار یکسان استفاده نکنید. با کمی خلاقیت و عشق می‌توانید راه‌های زیبا و ظریفی برای تحسین پیدا کنید، مثلاً می‌توانید یک بار برای تحسین فرزندتان جملات کوتاهی را بنویسد و روی میزتحریرش بگذارید و دفعه بعد از پیامک استفاده کنید. گاهی او را بغل کنید و گاهی با هم به گردش بروید.

به جای تمرکز روی رفتارهای نامطلوب، رفتارهای مطلوب را ببینیم و به آنها توجه نشان دهیم. با این روش نه تنها ارتباط مثبت و مؤثری با فرزند ایجاد می‌شود بلکه از بسیاری از رفتارهای نامطلوب هم پیشگیری می‌شود.

راهکارهایی برای رونق شبکه تلویزیونی کتاب

کلمه

علی‌الله‌سلیمی
نویسنده و منتقد

تلویزیون به عنوان یک رسانه فراگیر و تأثیرگذار در عصر دیجیتال همواره رقیب جدی سایر رسانه‌ها بوده و است؛ در بیشتر مواقع هم برنده میدان در جذب مخاطبان بوده و سهم قابل توجهی از مراجعه‌کنندگان به رسانه‌ها را به خود اختصاص داده است، مخاطبانی از هر قشر و طبقه اجتماعی که هر کدام مطابق نیاز و سلیقه خود یکی از شبکه‌ها و برنامه‌های تلویزیون را انتخاب و تماشا می‌کنند. دایره موضوعاتی که در تلویزیون سوژه برنامه‌سازان می‌شود معمولاً آنقدر وسیع است که تقریباً همه حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را دربرگیرد و به بیان دیگر، برای همه برنامه‌ای دارد که اگر هم دقیقاً در راستای نیاز آن مخاطب نباشد، لااقل نزدیک به نیاز و سلیقه آن فرد باشد.

در این میان، موضوعاتی هم هست که ماهیتی مشابه خودِ تلویزیون دارند و تقریباً مخاطبانی از همه قشرها و طبقات اجتماعی دارند و اگر تلویزیون به این نوع موضوعات که برخی از آنها اتفاقاً ماهیت فرهنگی و ظرفیت فرهنگسازی هم دارند روی خوش نشان دهد، عملاً با یک تیر دو نشان زده است؛ هم در جذب مخاطب موفق بوده و هم به کار فرهنگسازی که یکی از وظایف اصلی تلویزیون محسوب می‌شود، ورود و برنامه‌سازی می‌کند. نگاهی گذرا به سال‌های گذشته و برنامه‌هایی که با موضوع و محوریت کتاب در شبکه‌های مختلف تلویزیونی ساخته و پخش شده، نشان می‌دهد کارنامه تلویزیون در این زمینه چندان پربار و تحسین‌برانگیز نبوده و نیست که البته دلایل گوناگونی در این امر دخیل است و می‌شود در مجالی دیگر به تفصیل به این موضوع پرداخت و عوامل این نقیصه جدی در حوزه فرهنگسازی را ریشه‌یابی و بررسی کرد، اما اتفاق تازه‌ای که این روزها، اهالی کتاب را دلگرم و امیدوار کرده، راه‌اندازی نخستین شبکه تلویزیونی اینترنتی کتاب است که امسال در هفته کتاب به‌طور رسمی آغاز به کار کرد. در مدت کوتاهی که از راه‌اندازی آن می‌گذرد، ظرفیت‌های بالقوه در این زمینه تا حدودی محک خورده و دست‌اندرکاران این شبکه تلویزیونی اینترنتی با مراجعه به افراد و مراکزی که در تولید محتوا و حتی ایده‌پردازی در زمینه توسعه فرهنگ کتاب و کتابخوانی نقش دارند، به نوعی سوژه‌های آینده خود را شناسایی و برای برنامه‌ریزی درازمدت در این زمینه طرح و برنامه به مسئولان بالادست ارائه می‌دهند.

با توضیحات و اطلاعاتی که مسئولان فرهنگی مرتبط با موضوع کتاب درباره نخستین شبکه تلویزیونی اینترنتی کتاب ارائه داده‌اند به نظر می‌رسد هماهنگی‌های لازم با ارگان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور صورت گرفته و حتی اقدامات ضروری برای ایجاد زیرساخت‌های لازم انجام شده و حالا شرایط تقریباً فراهم شده و حتی برای فعالیت رسمی این شبکه تلویزیونی اینترنتی، بعد از فعالیت آزمایشی آن، آمادگی لازم وجود دارد. نخستین شبکه تلویزیونی اینترنتی کتاب پس از امضای تفاهمنامه این شبکه با معاونت فضای مجازی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و اخذ مجوز تأسیس و راه‌اندازی شبکه اختصاصی کتاب در بسترهای مجازی طرح‌ریزی و پایه‌گذاری شده است. اهداف مشخصی هم برای ادامه فعالیت آن تعریف شده که قابل توجه است؛ ایجاد بستری برای ارتقای سطح آگاهی و معرفت عمومی، قرارگاهی برای هدایت فرهنگی جامعه در راستای زیستی خردمندانه، امیدآفرین و با نشاط در میان عموم مردم و در افقی متعالی، آماده‌سازی جامعه برای نیل به تمدن نوین اسلامی از جمله مأموریت‌های این شبکه تلویزیونی اینترنتی است. در اطلاع‌رسانی‌ها درباره نهاد مستقیم اداره‌کننده این شبکه تلویزیونی هم آمده: نخستین شبکه تلویزیونی اینترنتی کتاب زیر نظر خانه کتاب و ادبیات ایران فعالیت خواهد کرد و مدیریت این شبکه تلاش دارد ضمن بهره‌مندی از همراهی نخبگان، نویسندگان، ناشران، نهادها، مؤسسات و صنوف فعال در حوزه کتاب و نشر، با برنامه‌سازی در موضوعات مبتلابه بستری برای ترویج فرهنگ کتابخوانی، بیان چالش‌ها و مسائل حوزه کتاب و نشر و نیز حمایت از فعالان این عرصه فراهم کند. با این توضیحات، حالا همه زمینه‌ها فراهم شده تا اهالی کتاب هم رسانه اختصاصی خود در بین شبکه‌های تلویزیونی را داشته باشند و با توجه به ظرفیت‌های بالا در حوزه کتاب، به ادامه فعالیت این شبکه اختصاصی کتاب بیش از پیش امیدوار باشند.

از آیتم‌های پرمخاطب که این شبکه تلویزیونی می‌تواند روی آنها سرمایه‌گذاری کند می‌توان به آیتم‌های زنده در بخش‌های «تازه‌های نشر»، «نشست‌های رونمایی و نقد کتاب»، «سخنرانی‌های تخصصی در حوزه‌های گوناگون صنعت نشر»، «موفقیت کتاب‌های ایرانی در جشنواره‌ها و بازارهای داخلی و جهانی» و «رویدادهای مهم و تأثیرگذار در حوزه مدیریت حوزه کتاب» اشاره کرد.

خاطره‌بازی با نسل انقلاب و دهه شصت

پیشنهاد کتاب

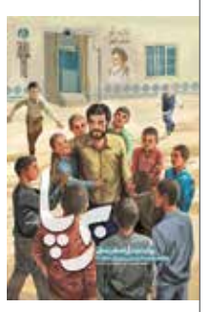

سیدمهدی شهری‌نژاد
فعال فرهنگی

در جهان امروز و عرصه تکنولوژی، داشتن و خواندن کتاب کاغذی حظی وافر دارد و بوی کاغذ مدهوش‌کننده است. در این بین «برپا» یکی از کتاب‌هایی است که به‌تازگی روانه کتابفروشی‌ها شده است؛ نوشته‌ای که طرح جلدش هم خاطره‌بازی می‌کند با نسل دوران انقلاب و هم دهه شصت. چاپ کتاب «برپا» با کاغذ کاهی در نوازش چشم بسیار کارگر است و لطف مطالعه‌اش را دوچندان می‌کند. فونت چاپی منتخب برای متن، در روان‌خوانی متن مؤثر است و عالی. پانوشت‌ها در برخی صفحات روشن‌کننده برخی مفاهیم و لغاتی است که شاید برای دیگرانی که با ادبیات اهالی یزد ناآشنا باشند؛ راهگشا خواهد بود. نوشتار و نوع بیان داستان در کتاب به‌گونه‌ای است که به‌شخصه سریع درگیر داستان شدم و روایتگری قصه؛ تداعی‌کننده حضور گوینده است در مقابلت؛ انگار که بزرگ‌تری برایت داستان زندگی نقل می‌کند. شیوا، شنیدنی و موجز و در برخی موارد در پرده‌پوشی، نکات زندگی را بیان می‌کند آن‌چنان که نه گرفتار لودگی شود و نه در برج عاج کلمات گم شود.

فی‌المثل داستان اولین بستنی خوردن راوی (اصغر بمانی) در بچگی که با دوچرخه‌سواری همراه است و نوع رخصت دادن مادر در رفتن پسرش با این مرد برای تفریح، فضاسازی، پرداخت شخصیت و نوع شروع داستان به‌گونه‌ای است که مخاطب با بزرگ شدن شخصیت اصغر بمانی، روند و سیر تحول زندگانی را درمی‌یابد و ایضاً نوع ساختاربندی جامعه و چرخه‌های فرهنگی در دوران‌های مختلف تا حدودی در داستان نمایان است. نقل وقایع به‌سانِ زندگی، خواننده را در داستان و قصه فرو می‌برد. و اگر تجربه اردوهای دانش‌آموزی و بسیج را داشته باشید بسیاری خاطرات و وقایع مذکور برایتان تداعی دوباره می‌شود که یادآوری آن شیرین است. در عین حال که فصل‌های کتاب به وقایع زمانی مختلفی می‌پردازد، اما رشته پیوستگی خاصی در نقل مطالب وجود دارد. در فصل هشتم، شخصیت اصلی کتاب که حالا خودش مسئولیت برگزاری اردوها را دارد با حضور دوباره در اردوگاه رامسر به عنوان مربی، شور و اشتیاقش را بیان می‌کند. خاطرات اصغر بمانی در زندگی و حضورش در آموزش و پرورش و جبهه و نوع نگاه ایشان به وقایع زندگی‌اش چنان بیان شده که در آن به وضوح تجربه شخصی‌اش نمایان است و این‌گونه بیان تجربه که گوینده آنچه را دریافته بیان می‌کند و بر این مدعا نیست که خط‌کشی کند بین راستی و درستی آنچه خود دریافته و انجام داده و آنچه دیگران و سیستم آموزشی می‌خواسته و عمل کرده است. در نهایت اجر و برکت قلم نویسنده و زحمات ایشان در گردآوری این تجربیات در قالب کتاب و ارائه آن برای خوانندگان، فزونی باد که توانستم تجربه یک عمر زندگی را طی یک هفته تجربه کنم و بیاموزم و گاه‌گاهی همزادپنداری کنم و خویش را در وقایع مذکور ببینم.

■ برپا
■ تحقیق و تدوین: سیدمرتضی میرعزآبادی
■ انتشارات راه‌یار

عکس نوشت
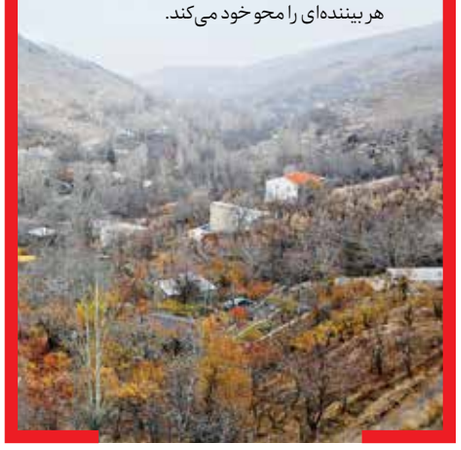
دهکده توریستی، فرهنگی گنجنامه همدان یکی از قطب‌های قوی گردشگری ایران و خاورمیانه است و در فصل‌های مختلف سال جلوه و زیبایی خاصی دارد و البته پاییز آن هم بسیار دیدنی است. این مجموعه تفریحی در فاصله نه چندان دور از شهر و در دل صخره‌های کوهستانی الوند و انتهای دره عباس‌آباد واقع شده. خبرگزاری مهر گزارش تصویری از کوچه باغ‌های گنج‌نامه همدان منتشر کرده و در شرح آن نوشته منظره‌های بی‌نظیر این منطقه با توجه به موقعیت کوهستانی و آب و هوای مطبوع آن دارای جاذبه‌های طبیعی بسیار زیبایی است که نگاه هر بیننده‌ای را محو خود می‌کند.